

بررسی نقش عوامل روان‌شناختی در پیش‌بینی مشارکت دفاعی (مورد مطالعه: استان گلستان)

هادی مراد پیری^۱ | حجت اله مرادی^۲ | محمدصادق ساریزاده^۳

۵۵

سال چهاردهم
پاییز ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۱/۷/۱۱
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۲/۰۴/۱۰
صص: ۱۰۷-۸۵

شابا چاپی: ۲۵۸۸-۵۱۶۲
الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۱۷



چکیده

هدف: در دنیای امروز توجه به عوامل روان‌شناختی در ارتقاء و توسعه سیاست‌ها و راهبردهای نظامی از اهمیت زیادی برخوردار است. بنابراین، هدف مطالعه حاضر بررسی مشارکت دفاعی از منظر عوامل روان‌شناختی شامل ویژگی‌های شخصیتی، آگاهی و دانش، اعتماد و احساس کارآمدی بود.

روش: مطالعه حاضر از نوع توصیفی-همبستگی و جامعه آماری آن شامل کلیه افراد (مرد و زن) استان گلستان در سال ۱۴۰۱ بودند. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تعداد ۳۸۶ نفر انتخاب و پرسش‌نامه مشارکت دفاعی، پرسش‌نامه پنج عاملی شخصیت و پرسش‌نامه عوامل روان‌شناختی را تکمیل نمودند. داده‌های به دست آمده با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۵ و روش آماری همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون به شیوه گام به گام تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد رابطه مثبت و معنی‌دار بین آگاهی ($r=0/553$)، اعتماد ($P<0/001$ ، $r=0/332$)، کارآمدی ($P<0/001$ ، $r=0/391$)، برون‌گرایی ($P<0/001$ ، $r=0/127$)، توافق‌پذیری ($P<0/001$ ، $r=0/139$) و وظیفه‌شناسی ($P<0/001$ ، $r=0/243$) با مشارکت دفاعی وجود دارد. هم‌چنین، نتایج تحلیل رگرسیون به روش گام به گام نشان داد که به ترتیب آگاهی، وظیفه‌شناسی، کارآمدی و برون‌گرایی بیشترین سهم را در پیش‌بینی مشارکت دفاعی دارند که مجموعاً ۳۵ درصد از واریانس مشارکت دفاعی به وسیله این متغیرهای پیش‌بین تبیین شد.

نتیجه‌گیری: براساس نتایج به دست آمده، توجه به عوامل روان‌شناختی در ارتقاء و توسعه مشارکت دفاعی پیشنهاد می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: الگوی پنج عاملی شخصیت، آگاهی، اعتماد، خودکارآمدی، مشارکت دفاعی

DOR: 20.1001.1.25885162.1402.14.3.4.3

۱. دانشیار، گروه علوم دفاعی راهبردی، دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)، تهران، ایران
۲. نویسنده مسئول: دانشیار، گروه روانشناسی، دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)، تهران، ایران
psyops_ir@yahoo.com
۳. دکتری روانشناسی، گروه روانشناسی بالینی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

مقدمه و بیان مسئله

امروزه، یکی از عوامل مؤثر بر امنیت ملی هر کشوری میزان مشارکت مردم در رویدادهای سیاسی و دفاعی است. بنابراین، یکی از شیوه‌های حفظ و صیانت از نظام اسلامی، حضور و مشارکت ملموس و واقعی مردم در صحنه‌های سیاسی و دفاعی کشور است (اخوان کاظمی، ۱۳۹۱). امروزه، مطالعات نشان می‌دهد مشارکت مردم در عرصه‌های گوناگون از مهم‌ترین شاخصه‌های توسعه یک جامعه و امری گریزناپذیر می‌باشد. هم‌چنین، از منظر دینی مشارکت مردم و حساسیت آنها نسبت به زندگی خود و جامعه، یک حق و تکلیف ضروری برای همه آنها به شمار می‌رود (طباطبایی میر، مداحی و احدی، ۱۳۹۸).

تعاریف مختلفی از مشارکت در حوزه علوم انسانی، فلسفه، اقتصاد، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی ارائه شده است. براساس برخی از تعاریف مشارکت به معنای به کارگیری منابع شخصی برای سهم شدن در یک اقدام جمعی یاد شده است. هم‌چنین، مشارکت به شرکت فعال افراد در تصمیم‌گیری‌ها، نظارت و اجرای طرح‌ها و عملیات نظم و امنیت اجتماعی اشاره دارد (قیصری، ۱۳۹۸). دفاع از نظر لغوی به معنای دفع شر و تعرض کردن، دور کردن تهدیدات و خطرات از خود و دیگران به نحوه مطلوب است. به بیان دیگر، دفاع به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که انسان‌ها برای حراست و حفظ از حیات، سرزمین و اعتقادات خود در مقابل خطرانی که او را تهدید می‌کنند، انجام می‌دهند. در خصوص مشارکت دفاعی اگرچه تعریف مشخص و واحدی از آن ارائه نشده است اما می‌توان متناسب با دیدگاه‌های مختلف مشارکت، تعاریفی از آن ارائه داد. به عبارت دیگر، مشارکت دفاعی می‌تواند به معنای حضور آگاهانه در عرصه‌های دفاع از کشور باشد. در مجموع، می‌توان مشارکت دفاعی را امری داوطلبانه و آگاهانه دانست که از طریق آن افراد به دفاع از کشور در برابر تهدیدات داخلی و خارجی تمایل نشان می‌دهند (داودی و مهدی‌فر، ۱۴۰۰).

در این راستا، مطالعه عوامل روان‌شناختی مرتبط با مشارکت از اهمیت فراوانی در زمینه کنش‌های جمعی برخوردار است (وانگ، ونگ و تسای^۱، ۲۰۲۰). به نظر می‌رسد ویژگی‌های شخصیتی به عنوان یک عامل روان‌شناختی می‌تواند انگیزه افراد را برای انجام همکاری و

1. Wang, Weng & Tsai

مشارکت افزایش یا کاهش دهد. واژه شخصیت به ویژگی‌ها و صفات پایداری اشاره دارد که می‌تواند بر رفتار انسان‌ها در موقعیت‌های گوناگون تأثیر بگذارد و محور اصلی موضوعاتی مانند انگیزه، یادگیری، عواطف و احساسات و تفکر است. نظریه‌های گوناگونی در زمینه شخصیت از سوی نظریه پردازان مطرح شده است که یکی از معروف‌ترین آنها الگوی پنج عاملی شخصیت^۱ است. این رویکرد توسط دو روانشناس به نام‌های کاستا و مک کری^۲ در اواخر دهه ۸۰ میلادی معرفی شد. این الگوی پنج عاملی مدل مفهومی مناسبی برای طبقه‌بندی ویژگی‌های شخصیت ارائه می‌دهد، به گونه‌ای که می‌توان گفت این مدل نظام‌مندترین الگو جهت طبقه‌بندی شخصیت است. در این الگو، پنج عامل بزرگ شخصیت شامل روان‌رنجوری، برون‌گرایی، گشودگی، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی می‌باشد. براساس این مدل، بعد روان‌رنجوری به از دست دادن و ناتوانی در سازگاری با محیط اطراف و عدم ثبات هیجانی اشاره دارد. بعد برون‌گرایی به اجتماعی بودن و اعتماد به نفس بالا، فعالیت زیاد و تحریک‌پذیری اشاره دارد. بعد گشودگی با ویژگی‌هایی مانند کسب تجارب جدید، ماجراجویی و تخیل در نظر گرفته می‌شود. بعد توافق‌پذیری به توافق و همکاری بالا با دیگران، نوع دوستی و رفتارهای جامعه‌پسند اشاره دارد و بعد وظیفه‌شناسی شامل ویژگی‌های مسئولیت‌پذیری، نظم و ترتیب، رفتارهای معطوف به هدف و کنترل‌تکانه می‌باشد (عابدینی، میرزاییگی، پیشقدم و عباسی، ۱۴۰۰؛ مشیریان فراچی، ابراهیم آباد، گرجی و بیگدلی، ۱۳۹۷).

در سالهای اخیر پژوهشگران به مطالعه مشارکت مردم در عرصه‌های مختلف و رابطه آن با ویژگی‌های شخصیتی افراد توجه داشته‌اند. لذا، بسیاری از صاحب‌نظران براین باورند انتخاب و انجام بسیاری از فعالیت‌ها در افراد تا اندازه زیادی به ویژگی‌های شخصیتی و گرایش‌های روانی پایدار آن‌ها وابسته است (مداحی، بشارت و طباطبایی میر، ۱۴۰۰). پژوهش‌های اخیر در زمینه شخصیت و فعالیت‌های سیاسی نشان می‌دهد که می‌توان مشارکت مردم را با ویژگی‌های شخصیتی پیش‌بینی کرد. در این راستا، مرور پیشینه مطالعه نشان می‌دهد ویژگی‌های شخصیتی با میزان مشارکت مردم در عرصه‌های گوناگون مرتبط است. به عنوان مثال، مطالعه مداحی و همکاران (۱۴۰۰) نشان داده است ۸۳ درصد از واریانس مشارکت سیاسی توسط ویژگی‌های شخصیتی و

1. Big Five personality traits

2. Costa & McCrae

هویت‌یابی تبیین شده است. هم‌چنین، مطالعه‌ها، کیم و جو^۱ (۲۰۱۳) نشان می‌دهد که بین ویژگی‌های شخصیتی گشودگی، توافق‌جویی و وظیفه‌شناسی با مشارکت سیاسی رابطه معنادار وجود دارد. طباطبایی میر و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه خود نشان داده‌اند ویژگی‌های شخصیتی و روابط موضوعی بر مشارکت سیاسی تأثیر مثبت و معنادار داشتند. عابدینی و همکاران (۱۴۰۰) نیز در مطالعه خود نشان داده‌اند نمرات ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی، توافق‌جویی و وظیفه‌شناسی در معلمان مشارکت‌کننده بیشتر از معلمان بود که در این طرح مشارکت نداشتند. وینشگک^۲ (۲۰۱۷) نیز براساس مطالعه خود بر این باور است تأثیر ویژگی‌های شخصیتی بر مشارکت سیاسی و مدنی به طور قابل توجهی بسته به بافت و کشور متفاوت است. وانگ و همکاران (۲۰۲۰) در مطالعه خود نشان داده‌اند ویژگی‌های شخصیتی مانند برون‌گرایی، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی با نقش میانجی تمایل سیاسی می‌توانند در مشارکت سیاسی تأثیر بگذارند. عامل روان‌شناختی دیگر مرتبط با مشارکت، آگاهی^۳ و دانش است. به عبارت دیگر، مشارکت سازنده در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و دفاعی وابسته به آگاهی و تخصص افراد در آن حوزه است (شعبانی و یزدخواستی، ۱۳۹۳). آگاهی عبارتست از میزان اطلاعات افراد از مسائل اجتماعی، سیاسی و دفاعی کشور که برای ارزیابی آن می‌توان سوال‌هایی از مسائل روز مطرح نمود (علمی، ۱۳۸۷). بنابراین، مقصود از آگاهی شناخت و اطلاع مردم، گروه‌ها و تشکل‌ها از امور عمومی، سیاسی و دفاعی کشور است. با این حال، واژه آگاهی با عبارت‌های دانش، اطلاعات و هوشیاری تداخل مفهومی دارد و بنابراین شاید نتوان تمایز دقیقی بین آنها قائل شد. با این وجود به نظر می‌رسد واژه‌های دانش، اطلاعات و هوشیاری برای اشاره به مراحل مختلف آگاهی به کار می‌روند، زیرا آگاهی افزون بر دریافت حسی و حفظ خاطرات، با توانایی بروز واکنش‌های انتقادی با کمک اندیشه و عمل مرتبط است (شهرام‌نیا و ملائی، ۱۳۹۰). شواهد پژوهشی نشان می‌دهد بین آگاهی افراد از موضوع و مشارکت آن‌ها در آن موضوع رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به عنوان مثال، علمی (۱۳۸۷) در مطالعه خود نشان داد که بین آگاهی سیاسی دانشجویان با میزان مشارکت آنها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به علاوه، قدس و تیموری (۱۴۰۰) در مطالعه خود نشان

1. Ha, Kim & Jo
2. Weinschenk
3. Awareness

دادند که بین آگاهی شهروندان و میزان مشارکت آنها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. هم‌چنین، در مطالعه شجاعی، فرهادی و کیانی (۱۴۰۰) بین آگاهی و مشارکت رابطه مثبت و معناداری گزارش شده است.

یکی دیگر از عوامل روان‌شناختی که به نظر می‌رسد با میزان مشارکت افراد مرتبط باشد، مؤلفه اعتماد^۱ است. اعتماد به عنوان یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های اجتماعی می‌تواند منجر به پیوند بیشتر مردم با نهادهای و سازمان‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و دفاعی شود (سبزه‌ای و رحیمی، ۱۳۹۲). از اعتماد تعاریف زیادی ارائه شده است که گاهی با یکدیگر متفاوت هستند. ساکو^۲ دو تعریف از اعتماد ارائه می‌دهد که با شکل‌گیری و مدیریت مشارکت مرتبط است. اولی اعتماد مبتنی بر قابلیت و دومی اعتماد مبتنی بر خوش بینی. اعتماد مبتنی بر قابلیت بر توان و تخصص تاکید دارد و به معنای توانمندی تکنیکی در رفتار و عملکرد است. در رابطه با مشارکت، این تعریف به معنای توانایی شریک شدن در انجام کارها براساس قراردادها و توافق است. از طرف دیگر، اعتماد مبتنی بر خوش بینی، یعنی انتظاری مبنی بر انجام رفتار مطابق با توافقات از سوی شریک می‌باشد. بنابراین، اعتماد با موضوعاتی مانند مسئولیت‌پذیری مرتبط می‌شود (رجبی فرجاد، دانش‌فرد، مظاهری و شیروانی، ۱۳۹۳). به طور کلی، می‌توان گفت که مشارکت اجتماعی، سیاسی و دفاعی بدون ارتقای اعتماد در جامعه امری دشوار است. این موضوع به خصوص در مورد نهادهایی اهمیت دارد که به طور مستقیم با مردم در ارتباط هستند (رشادی، ۱۳۹۹). اعتماد می‌تواند باعث پیوند عمیق مردم با نهادهای اجتماعی، سیاسی و دفاعی شود. هم‌چنین، اعتمادی که در قالب همکاری‌های تعاونی و اجتماعی پدید می‌آید باعث افزایش مشارکت می‌شود (سبزه‌ای و رحیمی، ۱۳۹۲). در این راستا، شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که بین اعتماد و میزان مشارکت مردم در عرصه‌های مختلف رابطه وجود دارد. به عنوان مثال، رشادی (۱۳۹۹) در مطالعه خود نشان داد که بین اعتماد و ابعاد مختلف آن و مشارکت مردمی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. ملکی و امیدوار (۱۳۹۴) نیز در مطالعه خود نشان دادند بین اعتماد و مشارکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. هم‌چنین، پارسامهر و اسکندری فرد (۱۳۹۲) در مطالعه خود نشان داد که بین اعتماد و مشارکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

1. Trust
2. Sako

از دیگر عوامل روان‌شناختی که در مشارکت نقش آفرینی می‌کنند، احساس کارآمدی^۱ است. کارآمدی از جمله مفاهیمی است که روان‌شناسان از طریق مطالعه انسان‌ها و تجربیات آنها بدان دست یافته‌اند (سلیمی و شکرانی، ۱۳۹۶). کارآمدی به معنای باور افراد یک جامعه در خصوص توانایی‌های مقابله‌ای آن‌ها در وضعیت‌های خاص است و الگوهای رفتاری، فکری و هیجانی را در سطوح گوناگون تجربه انسانی تحت تأثیر قرار می‌دهد (اثرزاده، بجانی و ملکی‌نیا، ۱۳۹۰). خودکارآمدی عاملی مؤثر در نیت و رفتار است و امروزه مطالعات نشان می‌دهد احساس خودکارآمدی می‌تواند یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های مهم مشارکت مردم در عرصه‌های گوناگون باشد. طبق نظریه شناختی-اجتماعی احساس خودکارآمدی افراد می‌تواند رفتارهای گوناگونی را در انسان تحت تأثیر قرار دهد که مشارکت دفاعی نیز از این قاعده مستثنی نیست. خودکارآمدی از این جهت مهم است که حتی اگر فرد احساس نیاز به عمل و وظیفه کند اما احساس خودکارآمدی در او پایین باشد، باعث می‌شود که وی اقدام به عمل نکند. بنابراین، در کنار سایر عوامل روان‌شناختی، احساس خودکارآمدی برای اقدامات مشارکتی بسیار مهم است (رشادت، زکی‌بی، کریمی و کماسی، ۱۳۹۵). مرور پیشینه مطالعه نشان می‌دهد بین احساس کارآمدی و مشارکت مردم در عرصه‌های مختلف رابطه مثبتی وجود دارد. به عنوان مثال، در مطالعه آقاخانباپی، مظفری و پورسلطانی زرنندی (۱۳۹۵) نشان داده شده است که رابطه مثبت و معناداری بین احساس کارآمدی و مشارکت وجود دارد. به علاوه، یزدان پناه، خدیری، فروزانی و برادران (۱۳۹۷) در مطالعه خود نشان داده‌اند که بین احساس کارآمدی افراد و انواع مختلف مشارکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. هم‌چنین، در مطالعه درستکار، صابری و باقری (۱۳۹۸) نشان داده شده است که بین احساس کارآمدی و مشارکت افراد رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

امروزه، بسیاری از روان‌شناسان و نظریه پردازان اجتماعی تلاش می‌کنند پدیده مشارکت را از منظر نیازها و انگیزه‌های درون روانی، غرائز و ویژگی‌های شخصیتی بررسی نمایند. با این حال، در خصوص فراوانی، چرایی و چگونگی و نسبت تأثیر هر یک از این عوامل روان‌شناختی بر مشارکت اطلاعات کمی وجود دارد، به گونه‌ای که دقیقاً روابط بین آن‌ها مشخص نیست (محسنی تبریزی، طباطبایی و مرجایی، ۱۳۸۵). از سوی دیگر، می‌توان گفت مشارکت دفاعی مردم به عنوان

1. Efficacy

یکی از عرصه‌های مختلف مشارکت تا به امروز کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته و مطالعات تجربی بسیار کمی در این زمینه وجود دارد. بنابراین، مطالعه در زمینه مشارکت دفاعی مردم و عوامل روان‌شناختی مؤثر بر آن می‌تواند دانش و اطلاعات بیشتری در این زمینه فراهم کند (مهاجرانی، امینی و مرتضویان، ۱۳۹۸). به علاوه، حفظ امنیت و دفاع از کشور نیازمند مشارکت افراد جامعه است زیرا مقوله امنیت و دفاع ماهیت جمعی دارد و مشارکت مردم را می‌طلبد (مرادی، ۱۳۹۶). در این راستا، مقام معظم رهبری ^(مدظله العالی) بارها نسبت به موضوع امنیت، دفاع و نقش مشارکت مردم در آن حساسیت خاص نشان داده‌اند. ایشان بارها بحث امنیت را موضوع بسیار مهم و از اولویت‌های اول ذکر فرموده و از حیطه‌های مختلف بر موضوع مشارکت تاکید داشته‌اند (بیات و پیری، ۱۳۹۹). از آنجایی که یکی از عوامل مؤثر بر امنیت ملی هر کشور میزان و نوع مشارکت افراد است، بنابراین به نظر می‌رسد مطالعه عوامل روان‌شناختی مرتبط با مشارکت دفاعی ضروری باشد، زیرا فرض بر این است که نیت‌ها و ذهنیت‌ها رفتار را شکل می‌دهد و با مطالعه ابعاد روان‌شناختی رفتار می‌توان کمیت و کیفیت این رفتارها را افزایش و یا کاهش داد. با عنایت به مطالب ذکر شده، مطالعه حاضر بر آن است تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

- ۱- ویژگی‌های شخصیتی چه نقشی در مشارکت دفاعی دارد؟
- ۲- آگاهی و دانش چه نقشی در مشارکت دفاعی دارد؟
- ۳- اعتماد چه نقشی در مشارکت دفاعی دارد؟
- ۴- احساس کارآمدی چه نقشی در مشارکت دفاعی دارد؟

روش‌شناسی پژوهش

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

مطالعه حاضر از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری مطالعه شامل کلیه افراد استان گلستان بود که طبق نتایج آخرین سرشماری تعداد ۱۸۶۸۸۱۹ نفر بوده‌اند. با توجه به حجم جامعه و براساس جدول مورگان و کرجسی و با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و هم‌چنین با در نظر گرفتن ملاک‌های ورود و خروج از مطالعه، تعداد ۳۸۶ شرکت‌کننده (۱۹۶ نفر مرد و ۱۹۰ نفر زن) در سال ۱۴۰۱ انتخاب شدند و ابزارهای مطالعه را تکمیل نمودند.

ملاک‌های ورود به مطالعه شامل حداقل سن ۱۸ سال، داشتن سواد خواندن و نوشتن و عدم اشتغال فرد در مراکز و سازمان‌های دفاعی - نظامی بود. هم‌چنین، ملاک‌های خروج از مطالعه شامل داشتن مشکلات روان‌شناختی شدید مانند سابقه بیماری‌های شدید روانپزشکی، افسردگی و روان‌پریشی، عدم همکاری شرکت‌کننده و تکمیل ناقص پرسش‌نامه مطالعه بود. در مطالعه حاضر برای گردآوری اطلاعات از پرسش‌نامه محقق ساخته مشارکت دفاعی، پرسش‌نامه پنج‌عاملی شخصیت و پرسش‌نامه محقق ساخته عوامل روان‌شناختی استفاده شد.

پرسش‌نامه مشارکت دفاعی: این ابزار یک پرسش‌نامه خودگزارشی است که توسط پژوهشگران مطالعه و براساس نظریه‌های موجود در زمینه مشارکت و دفاع طراحی گردید. این پرسش‌نامه شامل ۵ سوال است که به صورت طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملاً موافقم (نمره ۵) تا کاملاً مخالفم (نمره ۱) نمره گذاری می‌شود. کسب نمره بالاتر در این پرسش‌نامه به معنای مشارکت دفاعی بیشتر در افراد است. روایی محتوایی^۱ این پرسش‌نامه به وسیله نظرسنجی از چهارده متخصص روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و با محاسبه ضریب لاوشه^۲ مورد بررسی و تایید قرار گرفت (۰/۷۹۶). به علاوه، ضریب آلفای کرونباخ برای کل این پرسش‌نامه ۰/۸۵ به دست آمد که نشان دهنده پایایی مناسب آن است.

پرسش‌نامه الگوی پنج‌عاملی شخصیت (فرم کوتاه نسخه تجدید نظر شده): این پرسش‌نامه توسط کاستا و مک کری در سال ۱۹۹۲ ساخته شده است و شامل ۶۰ سوال است که به صورت طیف لیکرت پنج درجه‌ای از کاملاً موافقم (نمره ۵) تا کاملاً مخالفم (نمره ۱) نمره گذاری می‌شود. این پرسش‌نامه پنج بعد شخصیت شامل روان رنجوری (آیتم های ۱، ۶، ۱۱، ۱۶، ۲۱، ۲۶، ۳۱، ۳۶، ۴۱، ۴۶، ۵۱ و ۵۶)، برون‌گرایی (آیتم های ۲، ۷، ۱۲، ۱۷، ۲۲، ۲۷، ۳۲، ۳۷، ۴۲، ۴۷، ۵۲ و ۵۷)، گشودگی (آیتم های ۳، ۸، ۱۳، ۱۸، ۲۳، ۲۸، ۳۳، ۳۸، ۴۳، ۴۸، ۵۳ و ۵۸)، توافق پذیری (۴)، ۹، ۱۴، ۱۹، ۲۴، ۲۹، ۳۴، ۳۹، ۴۴، ۴۹، ۵۴ و ۵۹) و وظیفه شناسی (آیتم های ۵، ۱۰، ۱۵، ۲۰، ۲۵، ۳۰، ۳۵، ۴۰، ۴۵، ۵۰، ۵۵ و ۶۰) را می‌سنجد (مک کری و کاستا، ۲۰۰۴). روشن چسلی و همکاران (۱۳۸۵) در مطالعه خود ضریب آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه را برای ابعاد روان رنجوری، برون‌گرایی، گشودگی، توافق پذیری و وظیفه شناسی به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۵۸، ۰/۳۵، ۰/۵۵ و

1. Content Validity
2. Lawshe

۰/۸۱ گزارش داده است. در مطالعه حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ برای ابعاد روان رنجوری، برون‌گرایی، گشودگی، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۷۰، ۰/۶۱، ۰/۷۱ و ۰/۸۱ بود.

پرسش‌نامه عوامل روان‌شناختی: این پرسش‌نامه یک ابزار محقق ساخته و شامل ۱۲ سوال است که به منظور سنجش عوامل روان‌شناختی آگاهی (آیتم‌های ۱ تا ۵)، اعتماد (آیتم ۶ تا ۸) و کارآمدی (آیتم‌های ۹ تا ۱۲) طراحی گردید. این پرسش‌نامه به صورت طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملاً موافقم (نمره ۵) تا کاملاً مخالفم (نمره ۱) نمره‌گذاری شده و کسب نمرات بالاتر در آن حاکی از آگاهی، اعتماد و احساس کارآمدی بالاتر در شرکت کنندگان است. روایی محتوایی این پرسش‌نامه به وسیله‌ی نظرسنجی از چهارده متخصص روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و با محاسبه ضریب لاوشه (۰/۸۰) مورد بررسی و تایید قرار گرفت. هم‌چنین، محاسبه ضریب آلفای کرونباخ کل پرسش‌نامه (۰/۹۰) نشان داد که ابزار مذکور از پایایی قابل قبولی برخوردار است.

روش اجرا

در این مطالعه پس از طراحی و تایید ابزارهای مطالعه به جمع‌آوری اطلاعات از شرکت کنندگان پرداخته شد. برای رسیدن به این هدف ابتدا تعداد چهار شهرستان در استان گلستان (شامل شهرهای گرگان، گنبد کاووس، کلاله و مراوه تپه) به شکل تصادفی و با استفاده از قرعه‌کشی انتخاب شدند. سپس از میان منطقه‌های مختلف هر شهر، یک ناحیه به صورت تصادفی انتخاب شد و ابزارهای مطالعه به صورت همزمان در اختیار افراد ساکن در آن منطقه جهت تکمیل قرار گرفت. بازده زمانی اجرای پرسش‌نامه از بهمن ماه ۱۴۰۰ الی خرداد ماه ۱۴۰۱ بود. به علاوه، اصول اخلاقی لازم در انجام پژوهش از جمله رضایت آگاهانه و داوطلبانه برای شرکت در پژوهش و محرمانه ماندن اطلاعات شرکت کنندگان رعایت گردید.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های به دست آمده با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۵ تجزیه و تحلیل شد. با استفاده از میانگین و انحراف معیار شاخص‌های توصیفی متغیرها و برای بررسی رابطه و نقش عوامل

روان‌شناختی در پیش‌بینی مشارکت دفاعی از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون به روش گام به گام استفاده شد. سطح معنی‌داری آزمون‌ها نیز ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته‌های پژوهش

در این مطالعه از بین کلیه شرکت‌کنندگان (۳۸۶ نفر) تعداد تعداد ۱۹۶ نفر (۵۰/۸ درصد) مرد و ۱۹۰ نفر (۴۹/۲ درصد) زن بود. میانگین و انحراف معیار سن شرکت‌کنندگان به ترتیب ۳۲/۷۶ و ۷/۷۸ سال، در دامنه سنی بین ۲۰ الی ۵۹ سال می‌باشد. همچنین، تعداد ۹۰ شرکت‌کننده از شهر مراوه تپه (۲۳/۳ درصد)، ۹۶ شرکت‌کننده از شهر کلاله (۲۴/۹ درصد)، ۱۰۱ شرکت‌کننده از شهر گنبد کاووس (۲۶/۲ درصد) و ۹۹ شرکت‌کننده از شهر گرگان (۲۵/۶ درصد) بود. سایر مشخصات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱. مشخصات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان

متغیر	فراوانی	درصد	
تحصیلات	زیر دیپلم	۲۰	۵/۲
	دیپلم	۶۱	۱۵/۸
	فوق دیپلم	۲۱	۵/۴
	لیسانس	۲۰۰	۵۱/۸
	فوق لیسانس	۷۲	۱۸/۷
	دکتر	۱۲	۳/۱
وضعیت تاهل	متاهل	۲۵۰	۶۴/۸
	مجرد	۱۳۶	۳۵/۲
شغل	کارمند	۱۶۷	۴۳/۳
	آزاد	۱۳۰	۳۳/۷
	خانه‌دار	۴۱	۱۰/۶
	بدون شغل	۴۸	۱۲/۴
میزان متوسط درآمد	زیر ۲ میلیون تومان	۱۰۳	۲۶/۷
	بین ۲ الی ۵ میلیون تومان	۱۲۲	۳۱/۶
	بین ۵ الی ۱۰ میلیون تومان	۱۲۴	۳۲/۱

جدول ۱. مشخصات جمعیت شناختی شرکت کنندگان

متغیر	فراوانی	درصد
بالای ۱۰ میلیون تومان	۳۷	۹/۶

از پیش فرض‌های آزمون آماری برای تحلیل رگرسیون، توزیع نرمال داده‌ها، استقلال خطاها و تعیین هم خطی چندگانه است. بنابراین، قبل از بررسی فرضیه‌های مطالعه، توزیع نرمال داده‌ها و استقلال خطاها به ترتیب به وسیله آزمون کولموگروف-اسمیرنف^۱ و آزمون دوربین-واتسون^۲ مورد بررسی قرار گرفت (جدول ۲). هم‌چنین، جهت تعیین هم خطی چندگانه از آزمون تحمل^۳ و عامل تورم واریانس^۴ استفاده شد که نتایج آن در جدول (۵) ارائه و تایید شدند. با توجه به نتایج جدول (۲) و با در نظر گرفتن این که سطوح معنی داری به دست آمده بزرگتر از ۰/۰۵ است، فرض توزیع نرمال داده‌ها و استقلال خطاها پذیرفته شده و بنابراین از روش‌های آزمون آماری پارامتریک برای تحلیل استفاده شد. بر این اساس، در جدول (۳) میانگین، انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی متغیرهای مورد مطالعه ارائه شده است.

جدول ۲. آزمون کولموگروف-اسمیرنف و دوربین-واتسون برای متغیرهای مطالعه

متغیر	آزمون کولموگروف-اسمیرنف		آزمون دوربین-واتسون
	آماره آزمون	سطح معناداری	
مشارکت دفاعی	۰/۰۹۷	۰/۲۰۰	۱/۶۸۶
روان رنجوری	۰/۰۸۱	۰/۲۰۰	
برون گرایی	۰/۱۱۰	۰/۱۸۱	
گشودگی	۰/۱۲۰	۰/۰۶۹	
توافق جویی	۰/۱۴۱	۰/۱۳۲	
وظیفه شناسی	۰/۱۴۶	۰/۱۰۰	
آگاهی	۰/۲۳۷	۰/۲۰۰	
اعتماد	۰/۲۲۱	۰/۲۰۰	
کارآمدی	۰/۱۵۶	۰/۰۶۱	

جدول ۳. میانگین، انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی متغیرهای مورد مطالعه

1. Kolmogorov-Smirnov
2. Durbin-Watson Test
3. Tolerance
4. Variance Inflation Factor, VIF

متغیر	میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱- مشارکت دفاعی	۱۸/۲۱	۴/۰۳	۱								
۲- روان رنجوری	۳۰/۰۰	۵/۹۴		۱							
۳- برون‌گرایی	۴۹/۶۱	۳/۹۵			۱						
۴- گشودگی	۳۸/۴۵	۵/۴۸				۱					
۵- توافقی	۴۱/۰۷	۶/۰۲					۱				
۶- وظیفه‌شناسی	۴۶/۸۴	۶/۲۶						۱			
۷- آگاهی	۱۵/۹۵	۳/۰۵							۱		
۸- اعتماد	۹/۹۳	۱/۹۱								۱	
۹- کارآمدی	۱۳/۱۶	۲/۳۱									۱

* $P \leq 0.05$, ** $P \leq 0.01$

همانطور که در جدول (۳) مشاهده می‌شود مشارکت دفاعی با ویژگی شخصیتی روان رنجوری رابطه منفی و معناداری ($r = -0.169$, $P < 0.001$) دارد. به عبارت دیگر، متغیر

روان رنجوری یک رابطه منفی خطی و مستقیم با مشارکت دفاعی دارد. از سوی دیگر، ماتریس همبستگی متغیرهای مورد مطالعه نشان می‌دهد که ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی ($r=0/127$)، $(P<0/012, r=0/139)$ ، توافق‌پذیری ($P<0/006, r=0/243$) و وظیفه‌شناسی ($P<0/001, r=0/391$)، آگاهی ($P<0/001, r=0/553$)، اعتماد ($P<0/001, r=0/332$) و کارآمدی ($P<0/001, r=0/391$) با متغیر مشارکت دفاعی رابطه مثبت و معناداری دارد. به عبارت دیگر، متغیرهای برون‌گرایی، توافق‌پذیری، وظیفه‌شناسی، آگاهی، اعتماد و کارآمدی رابطه مثبت خطی و مستقیم با مشارکت دفاعی دارد.

در ادامه، برای بررسی نقش عوامل روان‌شناختی در پیش‌بینی مشارکت دفاعی و تعیین سهم هر کدام از این عوامل از تحلیل رگرسیون به شیوه گام به گام استفاده شد. بنابراین، این آزمون سهم هر یک از متغیرهای پیش‌بین را در تعیین متغیر ملاک تعیین می‌نماید. برای رسیدن به این هدف، در جدول (۴) مدل رگرسیون و آماره‌های تحلیل واریانس برای مشارکت دفاعی ارائه شده است.

جدول ۴. خلاصه مدل رگرسیون و آماره‌های تحلیل واریانس برای مشارکت دفاعی

مدل	متغیرها	منابع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معنی داری	R	مجذور R
۱	آگاهی	رگرسیون	۱۸۹۴/۷۲	۱	۱۸۹۴/۷۲	۱۶۵/۹۳	۰/۰۰۱	۰/۵۵۲	۰/۳۰۵
		خطا	۴۳۱۶/۲۱	۳۷۸	۱۱/۴۱				
		کل	۶۲۱۰/۹۳	۳۷۹					
۲	وظیفه شناسی	رگرسیون	۲۰۷۳/۰۲	۲	۱۰۳۶/۵۱	۹۴/۴۳	۰/۰۰۱	۰/۵۷۸	۰/۳۳۴
		خطا	۴۱۳۷/۹۱	۳۷۷	۱۰/۹۷				
		کل	۶۲۱۰/۹۳	۳۷۹					
۳	کارآمدی	رگرسیون	۲۱۴۴/۹۸	۳	۷۱۴/۹۹	۶۶/۱۲	۰/۰۰۱	۰/۵۸۸	۰/۳۴۵
		خطا	۴۰۶۵/۹۵	۳۷۶	۱۰/۸۱				
		کل	۶۲۱۰/۹۳	۳۷۹					
۴	برون‌گرایی	رگرسیون	۲۲۲۳/۴۷	۴	۵۵۵/۸۷	۵۲/۳۷	۰/۰۰۱	۰/۵۹۸	۰/۳۵۸
		خطا	۳۹۸۷/۴۶	۳۷۵	۱۰/۶۳				

جدول ۴. خلاصه مدل رگرسیون و آماره‌های تحلیل واریانس برای مشارکت دفاعی

مدل	متغیرها	منابع	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	مقدار F	سطح معنی داری	R	مجزور R
		کل	۶۲۱۰/۹۳	۳۷۹					

همانطور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود تحلیل رگرسیون به شیوه گام به گام نشان می‌دهد در گام اول متغیر آگاهی وارد تحلیل شده و ۳۰ درصد از واریانس متغیر مشارکت دفاعی را تبیین کرده است. سپس، در گام دوم متغیر وظیفه‌شناسی وارد تحلیل شده و مقدار واریانس تبیین شده را از ۳۰ به ۳۳ درصد افزایش داده است. در گام سوم، با وارد شدن متغیر کارآمدی مقدار واریانس تبیین شده از ۳۳ به ۳۴ درصد افزایش داشته است. در نهایت، در گام چهارم، برون‌گرایی وارد تحلیل شده و مقدار واریانس تبیین شده را از ۳۴ به ۳۵ درصد افزایش داده است. بنابراین، در مجموع ۳۵ درصد از واریانس متغیر مشارکت دفاعی براساس متغیرهای پیش بین تبیین شده است. در جدول (۵) ضرایب استاندارد و غیر استاندارد مدل نهایی رگرسیون برای پیش‌بینی مشارکت دفاعی ارائه شده است.

جدول ۵. ضرایب استاندارد و غیر استاندارد مدل نهایی رگرسیون برای پیش‌بینی مشارکت دفاعی

متغیرها	B	خطای B	Beta	t	سطح معنی داری	تحمل	عامل تورم واریانس
ثابت	-۴/۶۳	۲/۴۴	-	-۱/۸۹	۰/۰۵۸	-	-
آگاهی	۰/۶۲۳	۰/۰۶۶	۰/۴۷۰	۹/۴۹	۰/۰۰۱	۰/۶۹۹	۱/۴۳۰
وظیفه‌شناسی	۰/۰۷۲	۰/۰۸۶	۰/۱۱۱	۲/۴۰	۰/۰۱۷	۰/۷۹۵	۱/۲۵۷
کارآمدی	۰/۲۴۱	۰/۰۸۶	۰/۱۳۸	۲/۸۰	۰/۰۰۵	۰/۷۰۴	۱/۴۲۰
برون‌گرایی	۰/۱۲۸	۰/۰۴۷	۰/۱۲۵	۰/۷۱	۰/۰۰۷	۰/۸۱۰	۱/۲۳۵

همانطور که در جدول (۵) مشاهده می‌شود ضرایب بتای متغیرهای آگاهی، وظیفه‌شناسی، کارآمدی و برون‌گرایی مثبت است. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد با افزایش آگاهی، وظیفه‌شناسی، احساس کارآمدی و برون‌گرایی میزان مشارکت دفاعی افراد افزایش پیدا کند. هم‌چنین، ضرایب بتا نشان می‌دهد رابطه مستقیم و معناداری بین مشارکت دفاعی و متغیرهای آگاهی، وظیفه‌شناسی، کارآمدی و برون‌گرایی وجود دارد. در همین راستا، می‌توان گفت به ترتیب آگاهی (۴۷ درصد)، کارآمدی (۱۳ درصد)، برون‌گرایی (۱۲ درصد) و وظیفه‌شناسی (۱۱ درصد) بیشترین تأثیر را بر مشارکت دفاعی داشته‌اند.

بحث و نتیجه گیری

هدف مطالعه حاضر بررسی نقش عوامل روان‌شناختی در پیش‌بینی مشارکت دفاعی مردم استان گلستان در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بود. نتایج این مطالعه نشان داد رابطه مثبت و معناداری بین ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی، توافق‌جویی و وظیفه‌شناسی، آگاهی، اعتماد و کارآمدی با مشارکت دفاعی وجود دارد. نتایج این مطالعه همسو با مطالعات مداحی و همکاران (۱۴۰۰)، لیندل و همکاران (۲۰۱۸)، ها و همکاران (۲۰۱۳)، طباطبایی میر و همکاران (۱۳۹۸)، وانگ و همکاران (۲۰۲۰) است که نشان دادند بین الگوی پنج‌عاملی شخصیت و مشارکت مردم رابطه وجود دارد. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت روان‌رنجوری با احساسات منفی، عصبی بودن، غمگین بودن و احساس تنش مرتبط است. این افراد از اعتماد به نفس پایین‌تری برخوردار بوده و لذا احتمال دارد که کمتر براساس باورها و ارزش‌های زندگی خود عمل کنند. این امر می‌تواند باعث شود که این دسته از افراد در اقدامات مشارکتی کمتر شرکت کنند. از سوی دیگر، برون‌گرایی یکی از ویژگی‌های شخصیتی است که احتمالاً بیشتر با مشارکت مردم مرتبط است زیرا افراد دارای این ویژگی بیشتر احتمال دارد که در اقدامات مشارکتی شرکت کنند. دلیل این امر می‌تواند این باشد که این دسته از افراد تعامل‌های اجتماعی را دوست دارند و در این موقعیت‌ها سطوح بالایی از کارایی و مشارکت را نشان می‌دهند. عموماً افراد برون‌گرا مشتاق دفاع و پیگیری اهداف خود هستند و بنابراین به نظر می‌رسد مایل به شرکت در اقدامات مرتبط با مشارکت دفاعی باشند. در زمینه رابطه مثبت بین توافق‌جویی با مشارکت دفاعی می‌توان گفت افراد با این ویژگی شخصیتی اغلب نوع‌دوست، مهربان، فروتن و قابل اعتماد هستند. این افراد خونگرم، همدلی و همکاری بالایی دارند و بنابراین می‌توان انتظار داشت که سطح بالایی از مشارکت دفاعی را نشان دهند. بنابراین، می‌توان انتظار داشت که یک رابطه کمی مثبت بین ویژگی شخصیتی توافق‌پذیری و اقدامات مشارکتی وجود داشته باشد. هم‌چنین، نتایج مطالعه نشان داد بین وظیفه‌شناسی و مشارکت دفاعی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت افراد وظیفه‌شناس اغلب هدف‌دار، قابل اعتماد و سخت‌کوش هستند. این افراد ممکن است بیشتر مستعد شرکت در اقدامات مشارکتی باشند، به ویژه هنگامی که اقدام مشارکتی بسیار مهم و حیاتی تلقی شده و به

بازده شخصی فرد مرتبط باشد، احتمالاً بیشتر در اقدام مشارکتی درگیر خواهند شد. البته، درک ارزشمندی مشارکت برای این دسته از افراد مهم است و به نظر می‌رسد هنگامی که به این درک برسند در اقدامات مشارکتی نیز بیشتر شرکت کنند (لیندل و استرنبرگ، ۲۰۱۸).

نتایج مطالعه هم چنین نشان داد بین عامل روان‌شناختی آگاهی و مشارکت رابطه خطی مثبت و معنی دار وجود دارد. این نتایج همسو با مطالعات علمی (۱۳۸۷)، قدس و تیموری (۱۴۰۰) و شجاعی و همکاران (۱۴۰۰) است که نشان دادند بین آگاهی و مشارکت افراد رابطه وجود دارد. به طور کلی، اگر مشارکت مردم به دو دسته مشارکت فعال و سازنده و مشارکت تابع و پیرو تقسیم شود، غالباً مشارکت های دسته اول آگاهانه هستند. به عبارت دیگر، مردم با شناخت مسائل و موضوعات اجتماعی، سیاسی و دفاعی و تجربه و تحلیل دقیق آنها، به انجام این فعالیت‌های تأثیر گذار اقدام می‌کنند. هم چنین، می‌توان گفت افراد از طریق تعامل‌های اجتماعی در معرض اطلاعات، دانش و آگاهی فراوانی قرار می‌گیرند که به نوبه خود می‌تواند رفتارهای مشارکتی آنها را تحت تأثیر قرار دهد. داشتن دوستان، خانواده و تعامل با افرادی که مسائل سیاسی، اجتماعی و دفاعی علاقه مندند می‌تواند باعث شود که افراد اطلاعات، دانش و آگاهی لازم را درباره سازو کارهای سیاسی، دفاعی و اجتماعی یاد بگیرند، دانش و آگاهی آنها افزایش پیدا کند و از این طریق مشارکت آنها تسهیل شود (علمی، ۱۳۸۷). به طور کلی، نقش آگاهی و دانش را نمی‌توان در تولید و توسعه مشارکت افراد نادیده گرفت؛ زیرا به نظر می‌رسد گرایش‌های سیاسی، دفاعی و اجتماعی افراد و نحوه واکنش آنها در عرصه‌های مختلف مشارکت مانند مشارکت دفاعی به پیش زمینه آگاهی آنها در این حوزه بستگی دارد. به علاوه، به نظر می‌رسد شکل‌گیری هر رفتاری نیازمند آن است که در خصوص آن، شناخت و یادگیری صورت بگیرد، هر چند که این شناخت و یادگیری الزاماً منجر به بروز رفتار نشود. لذا، مشارکت افراد در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و دفاعی در گام اول نیازمند کسب اطلاعات درست و ایجاد یادگیری و شناخت در خصوص اهمیت و چگونگی آن است. با این حال، همان‌طور که گفته شد در کنار توجه به آگاهی افراد اساساً بایستی نقش سایر عوامل را نیز در نظر گرفت (گلایی و حاجیلو، ۱۳۹۰).

براساس نتایج مطالعه حاضر بین اعتماد و مشارکت دفاعی افراد رابطه خطی مثبت و معنی دار مشاهده گردید. این نتایج همسو با مطالعات علی‌پور و همکاران (۱۳۸۸)، رشادی (۱۳۹۹)، ملکی و امیدوار (۱۳۹۴) و پارسامهر و اسکندری فرد (۱۳۹۲) است که نشان دادند بین میزان اعتماد افراد و مشارکت آن‌ها در زمینه‌های مختلف رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به نظر می‌رسد، اگر چه اعتماد یک مؤلفه درون روانی است و به صورت عینی قابل مشاهده نیست، اما یکی از مهم‌ترین ابزارها برای توسعه ارتباطات فردی و مشارکت افراد است. به علاوه، پیشرفت و ترقی یک جامعه زمانی اتفاق خواهد افتاد که در تعاملات اجتماعی افراد با یکدیگر، نهادها و سازمان‌ها اعتماد متقابل برقرار باشد (رجبی فرجاد و همکاران، ۱۳۹۳). از طرف دیگر، نظام‌های مردم‌سالار به افراد و شهروندانی نیاز دارد که میزان اعتماد مطلوبی داشته باشند، زیرا اعتماد مردم به هم، به نهادها و سازمان‌ها باعث توسعه و تعمیق مشارکت آن‌ها در زمینه‌های مختلف می‌شود. اعتماد علاوه بر این که به طور مستقیم می‌تواند بر انواع مختلف مشارکت مردمی تأثیر بگذارد بلکه به صورت غیر مستقیم می‌تواند از طریق تسهیل انتقال منابع درون شبکه‌ای و کمک به تداوم هنجاری‌های اجتماعی در درون سازمان‌های داوطلبانه بر بهبود مشارکت تأثیر بگذارد (مسعود نیا، رهبرقاضی، مهربابی کوشکی و پوررنجبر، ۱۳۹۳). مؤلفه اعتماد عاملی مهم در تسهیل مشارکت مردم است، زیرا اعتماد افراد به نهادها، سازمان‌ها و دولت‌ها باعث توسعه و تعمیق مشارکت آن‌ها در عرصه‌های مختلف می‌شود. اگر تلاش شود این اعتماد از سطح فردی به سطح اجتماعی برسد، می‌تواند یک سرمایه ملی با ارزش برای کشورها باشد و چنین سرمایه‌ای می‌تواند در افزایش مشارکت افراد نقش بسیار مهمی داشته باشد. از طرف دیگر، وقتی از اعتماد سخن به میان می‌آید مانند این است که در مورد آینده صحبت شود زیرا اعتماد به نوعی پیش‌بینی‌کننده رفتارهای آینده افراد است و می‌تواند قدرت عمل آن‌ها را در آینده تسهیل کند (علی‌پور و همکاران، ۱۳۸۸). به علاوه، اعتماد با تسهیل همکاری و مبادلات افراد در شرایط خاص می‌تواند هزینه‌ها را کاهش داده و سبب نظم اجتماعی شود و بنابراین می‌تواند یک عنصر پیش‌قراردادی در زمینه مشارکت دفاعی افراد باشد (ملکی و امیدوار، ۱۳۹۴).

براساس نتایج مطالعه حاضر، بین کارآمدی و مشارکت دفاعی افراد رابطه خطی مثبت و معناداری مشاهده گردید. این نتایج همسو با مطالعات آقاخان‌بائی و همکاران (۱۳۹۵)، یزدان پناه و

همکاران (۱۳۹۷) و درستکار و همکاران (۱۳۹۸) است که نشان دادند بین احساس کارآمدی افراد با مشارکت آن‌ها زمینه‌های مختلف رابطه مثبتی وجود دارد. شاید دلیل این امر این باشد که هرچه افراد خودشان را در انجام تکالیف و مسئولیت‌ها موفق ارزیابی کنند و بر این باور باشند که در شرایط سخت و به‌هنگام مشکلات و چالش‌های زندگی قادر به ارائه راه‌حل هستند، تمایل بیشتری به مشارکت از خود نشان می‌دهند (یزدان‌پناه و همکاران، ۱۳۹۷). خودکارآمدی از این جهت مهم است که حتی اگر فرد احساس نیاز به عمل و وظیفه‌کند، اما احساس خودکارآمدی در او پایین باشد، باعث می‌شود که وی اقدام به عمل نکند. بنابراین، در کنار سایر عوامل روان‌شناختی، احساس خودکارآمدی برای اقدامات مشارکتی بسیار مهم است (رشادت و همکاران، ۱۳۹۵). براساس نظریه شناختی-اجتماعی بندورا، خودکارآمدی می‌تواند باعث اثر گذاری بر رفتار و تغییر آن شود. به عبارت دیگر، قضاوت مردم در توانایی خودشان، نهاد و سازمان‌ها در انجام یک رفتار در سطوح معین بر الگوهای فکری، احساسات و واکنش‌های عاطفی آنها در موقعیت‌های مختلف اثر گذار است (یزدان‌پناه و همکاران، ۱۳۹۷). براساس نظریه شناختی-اجتماعی سه عامل رفتار، محیط و عوامل فردی (شناختی، عاطفی و فیزیولوژیک) با یکدیگر در ارتباط هستند. بنابراین، این نظریه تأثیر یک بعدی محیط بر رفتار را رد کرده و معتقد است که انسان‌ها از یک نظام خودکنترلی و خودتنظیمی برخوردار هستند که براساس آن رفتارهای خود را کنترل کرده و نقش مهمی در سرنوشت خودشان ایفا می‌کنند. بنابراین، احساس کارآمدی از جمله عواملی است که در صورت بالا بودن، این احتمال می‌رود که یک احساس درونی از عملکرد و موقعیت به وجود بیاید که موجب افزایش رفتار مشارکتی در افراد شود (آقاخان‌بائی و همکاران، ۱۳۹۵). به طور کلی، اگر افراد اعتقاد داشته باشند که در انجام فعالیت‌ها موفق‌اند و می‌توانند در مواجهه با مشکلات و شرایط خاص راه‌حلی ارائه دهند، انگیزه مشارکت بیشتری را از خود بروز می‌دهند. هم‌چنین، با توجه به این که یکی از منابع احساس کارآمدی توجه به الگوهای موفق و تجارب موفق آمیز آنان در گذشته است، بنابراین، پیشنهاد می‌شود که منظور افزایش احساس کارآمدی افراد از الگوهای موفق در بخش دفاعی استفاده شود. بدین منظور ایجاد گروه‌های نشست با حضور این الگوهای برجسته می‌تواند دیدگاه‌های افراد را

در زمینه باور به توانایی‌شان و مشارکت آن‌ها بهبود بخشد و زمینه لازم را برای مشارکت در فعالیت‌های دفاعی ایجاد نماید (یزدان پناه و همکاران، ۱۳۹۷).

علی‌رغم نتایج، مطالعه حاضر با محدودیت‌هایی همراه است. اولین محدودیت این است که این مطالعه در استان گلستان انجام گرفته و بنابراین لازم است در تعمیم نتایج آن به سایر جوامع و استان‌ها با احتیاط انجام بگیرد. محدودیت دوم مطالعه به عدم وجود پرسش‌نامه استاندارد در زمینه مشارکت دفاعی مربوط می‌شود و پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی پرسش‌نامه جامع‌تر و با ابعاد بیشتر استفاده شود. محدودیت سوم به عدم امکان بررسی نقش احتمالی بافت، موقعیت و مذهب در پیش‌بینی مشارکت دفاعی مربوط می‌شود و بنابراین پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده به این مؤلفه‌ها در تبیین مشارکت دفاعی افراد توجه شود. به طور خلاصه، براساس یافته‌های مطالعه حاضر به نظر می‌رسد عوامل روان‌شناختی می‌تواند به طور قابل توجهی مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری انسان‌ها از جمله مشارکت دفاعی آن‌ها را پیش‌بینی کند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود در تدوین الگوهای مرتبط با مشارکت دفاعی به این عوامل روان‌شناختی توجه شود.

قدردانی

این پژوهش استخراج شده از پروژه جایگزین خدمت مقدس سربازی نویسنده سوم مقاله می‌باشد که در پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس شهید سپهبد پاسدار حاج قاسم سلیمانی انجام گرفته است. نویسندگان این مقاله از همکاری کلیه افراد شرکت‌کننده در این مطالعه تشکر و قدردانی می‌نمایند.

فهرست منابع

- اثرزاده، رضا؛ بجانی، حسین و ملکی نیا، عماد. (۱۳۹۰). بررسی خودکارآمدی نیروی انسانی در سازمان‌ها و ارائه ی الگوی مفهومی برای سنجش آن. دو ماهنامه توسعه انسانی پلیس، ۸(۳۷)، ۱۷۷-۹۵.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۹۱)، تعاملات مشارکت سیاسی و امنیت ملی از منظر امام خمینی (ره)، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۱(۳)، ۵۴-۳۳.
- آقاخان‌بائی، مریم؛ مظفری، سید امیر احمد و پور سلطانی زرنندی، حسین. (۱۳۹۵). نقش میانجیگری خودکارآمدی در رابطه بین حمایت اجتماعی و مشارکت در فعالیت بدنی دانشجویان. پژوهش‌های معاصر در مدیریت ورزشی، ۶(۱۱)، ۷۱-۶۳.
- بیات، بهرام و پیری، فردین. (۱۳۹۹). محیط‌شناسی نقش مشارکت مردمی در امنیت عمومی کشور. فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی-امنیتی دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)، ۹(۳۳)، ۱۰۸-۸۹.
- پارسامهر، مهربان و اسکندری فرد، امیرمختار. (۱۳۹۲). اعتماد و رابطه آن با مشارکت اجتماعی (مورد مطالعه: شهر یزد). فصلنامه علوم اجتماعی، ۶۲، ۲۸۶-۲۵۳.
- داودی، حدیثه و مهدی فر، محمد (۱۴۰۰)، مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی؛ مبانی فقهی و گونه‌های حقوقی، فقه حکومتی، ۶(۱۱)، ۵۵-۸۲.
- درستکار، آرنوش؛ صابری، هائیده و باقری، نسرین. (۱۳۹۸). ارائه مدل ساختاری مشارکت اجتماعی بر مبنای خودکارآمدی، هویت اجتماعی و تاب‌آوری براساس نقش میانجیگری امید. مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ۶۲، ۵۰۲-۴۹۵.
- رجبی فرجاد، حاجیه؛ دانش فرد، کرم‌اله؛ مظاهری، محمد مهدی و شیروانی، عایرضا. (۱۳۹۳). نقش اعتماد عمومی در توسعه مشارکت شهروندان، فصلنامه مطالعات منابع انسانی، ۴(۱۴)، ۴۶-۲۳.
- رشادت، سهیلا؛ زکی‌بی‌علی؛ کریمی، پروانه و کماسی، سعید. (۱۳۹۵). مشارکت اجتماعی در سلامت در میان جمعیت عمومی شهر کرمانشاه: نقش پیشبینی عوامل شخصیتی و خودکارآمدی. سلامت اجتماعی، ۴(۱)، ۵۴-۴۲.
- رشادی، منوچهر. (۱۳۹۹)، بررسی ارتباط میان اعتماد و مشارکت اجتماعی (مورد مطالعه: شهروندان شهرهای استان همدان). مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۹(۴)، ۹۳۰-۹۰۷.
- روشن چسلی، رسول؛ شعیری، محمدرضا؛ عطری فرد، مهدیه؛ قائم مقامی، بهاره و رحیمی راد، اکرم (۱۳۸۵)، بررسی ویژگی‌های روانسنجی پرسشنامه شخصیتی پنج‌عاملی نئو (NEO-FFI)، دو ماهنامه علمی-پژوهشی دانشگاه شاهد، ۱۳(۱۶)، ۳۶-۲۷.
- سبزه‌ای، محمد تقی و رحیمی، پرویز. (۱۳۹۲). بررسی رابطه‌ی اعتماد اجتماعی با مشارکت اجتماعی در بین شهروندان نورآباد دلفان (استان لرستان). فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، ۱(۲)، ۹۱-۷۱.

- سلیمی، وحید و شکرانی، رضا. (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی خودکارآمدی از دیدگاه قرآن و روانشناسی. دو فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات قرآن و علوم، ۱(۲)، ۱۸۰-۱۴۵.
- شجاعی، حسن؛ فرهادی، صادق و کیانی، سارا. (۱۴۰۰). فراتحلیل رابطه آگاهی اجتماعی با مشارکت سیاسی. نهمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، ۱۱-۱.
- شعبانی، زینب و یزدخواستی، بهجت. (۱۳۹۳). پایین بودن آگاهی و مشارکت سیاسی زنان. فصلنامه علمی - تخصصی پژوهش های سیاسی، ۴(۹)، ۶۵-۵۱.
- شهرام نیا، سید امیر مسعود و ملائی، صابر. (۱۳۹۰). تحلیل تأثیر آگاهی سیاسی معلمان بر شرکت در انتخابات؛ مطالعه موردی معلمان نواحی (۱) و (۳) اصفهان. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۶(۱)، ۱۶۶-۱۳۵.
- طباطبایی میر، سیدفرزاد؛ مداحی، محمدابراهیم و احدی حسن (۱۳۹۸). مدل یابی روابط ساختاری ویژگی های شخصیتی در چشم انداز مشارکت سیاسی با میانجی گری روابط موضوعی، فصلنامه راهبرد، ۲۸(۹۱)، ۸۰-۵۸.
- عابدینی، راضیه؛ میرزاییگی، مرتضی؛ پیشقدم، شهربانو و عباسی، صدیقه (۱۴۰۰). مقایسه ویژگی های شخصیتی دو گروه معلمان ابتدایی مشارکت کننده و بدون مشارکت در طرح جابر ۱۴۰۰-۱۳۹۹، فصلنامه توسعه حرفه ای معلم، ۶(۱)، ۵۵-۳۷.
- علمی، محمود. (۱۳۸۷). جنسیت، آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی دانشجویان. زن و مطالعات خانواده، ۱(۱)، ۱۷۶-۱۵۳.
- علی پور، پروین؛ زاهدی، محمدجواد و شیانی، ملیحه. (۱۳۸۸). اعتماد و مشارکت (بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران). مجله جامعه شناسی ایران، ۱۰(۲)، ۱۳۵-۱۰۹.
- قدس، مهشید و تیموری، وحید. (۱۴۰۰). بررسی رابطه بین آگاهی و مشارکت شهروندان با بهینه سازی مصرف انرژی. هفتمین کنفرانس بین المللی فناوری و مدیریت انرژی، ۷-۱.
- قیصری، نوراله (۱۳۹۸). مشارکت اجتماعی؛ معناکاوی یک مفهوم راهبردی، فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا، ۴(۱۱)، ۵۹-۳۱.
- گلایی، فاطمه و حاجیلو، فتانه. (۱۳۹۰). بررسی جامعه شناختی برخی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی زنان. مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱(۱)، ۱۹۹-۱۷۳.
- محسنی تبریزی، علیرضا؛ طباطبایی، محمود؛ مرجایی، سیدهادی (۱۳۸۵). نظریه های روان شناختی و رویکردهای تلفیقی مشارکت، سیاست داخلی، ۱(۱)، ۱۷۶-۱۴۸.
- مداحی، محمدابراهیم؛ بشارت، محمدعلی و طباطبایی میر، سیدفرزاد (۱۴۰۰). نقش ویژگیهای شخصیتی و هویت یابی ایگو در مشارکت سیاسی دانشجویان بسیجی، روانشناسی نظامی، ۱۲(۴۶)، ۱۱۵-۸۹.
- ملکی، امیر و امیدوار، پوران. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در ایران (تحلیل ثانویه ی پیمایش جهانی ارزش ها). فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، ۴(۳)، ۱۵۶-۱۳۳.

مهاجرانی، شباهنگ؛ امینی، علی اکبر و مرتضویان، سیدعلی (۱۳۹۸). بررسی مشارکت زرتشتیان در جنگ ایران و عراق؛ انگیزه‌ها، دلایل و زمینه های فکری و فرهنگی، نشریه مطالعات تاریخی جنگ، ۱۰(۱۴)، ۱۱۷-۱۴۰.

مسعودنیاد، حسین؛ رهبرقازی، محمودرضا؛ مهربابی کوشکی، راضیه و پوررنجبر، مهدیه. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر اعتماد اجتماعی بر شیوه‌های مختلف مشارکت سیاسی. مسائل اجتماعی ایران، ۵(۲)، ۷۷-۹۴.

مرادی، علی. (۱۳۹۶). مطالعه بررسی نقش مشارکت شهروندان در تأمین احساس امنیت اجتماعی. فصلنامه پژوهش های انتظام اجتماعی، ۹(۴)، ۱۶۶-۱۳۹.

مشیریان فراحی، سیده مریم؛ اصغری ابراهیم آباد، محمدجواد؛ گرجی، علی و بیگدلی، ایمان اله. (۱۳۹۷). ویژگی های روانسنجی پرسشنامه ی پنج عاملی بزرگ شخصیت برای کودکان و نوجوانان در مشهد. علوم اعصاب شفای خاتم، ۷(۱)، ۱۳-۲۲.

یزدان پناه، مسعود؛ خدیری، کژال؛ فروزانی، معصومه و برادران، مسعود. (۱۳۹۷). نقش هویت، کلیشه‌های جنسیتی و خودکارآمدی بر مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی. زن در توسعه و سیاست، ۱۶(۴)، ۶۱۹-۶۰۳.

- Ha, S. E., Kim, S., & Jo, S. H. (2013). Personality traits and political participation: Evidence from south korea. *Political Psychology*, 34(4), 511-532.
- Lindell, M., & Strandberg, K. (2018). A participatory personality? Examining the influence of personality traits on political participation. *Scandinavian Political Studies*, 41(3), 239-262.
- McCrae, R. R. & Costa Jr, P. T. (2004). A contemplated revision of the NEO Five-Factor Inventory. *Personality and individual differences*, 36 (3), 587-596.
- Wang, C. H., Weng, D. L. C., & Tsai, C. H. (2020). Personality traits and political participation in Taiwan: a mediation approach. *Political Science*, 71(3), 175-192.
- Weinschenk, A. C. (2017). Big five personality traits, political participation, and civic engagement: Evidence from 24 countries. *Social Science Quarterly*, 98(5), 1406-1421.

